

# جنگ ۸۲۴۷

## کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی

جواد بشری

در کتابخانه بزرگ آیه الله العظمی مرعشی نجفی - رحمته - جنگی از قرن نهم هجری نگهداری می شود که به شماره ۸۲۴۷ ثبت شده است. از آنجا که این جنگ - که مجموعه ای از رسالات منثور و منظوم است - دارای مقداری شعر فارسی است و در فهرست نیز به اختصار معرفی شده است، با صلاحدید جناب آقای دکتر مرعشی و با لطف ایشان، عکس آن را در اختیار گرفتم تا به تفصیل آن را بررسی نمایم. نوشته حاضر حاصل این بررسی است.

\* \* \*

مجموعه حاضر شامل دو بخش کلی است که اولی در برگ ۲۷ الف پایان می یابد و شامل اجزایی است که تشکیل یک کل واحد را داده است؛ چرا که در ترقیمه آن که تاریخ ۸۷۷ هجری دارد، تمام اجزاء به اختصار نام برده شده و به آنها در مجموع، عنوان «الکتاب» (تم الکتاب) داده شده است. پس بی راه نیست اگر آن را یک جنگی نظم و نثر بدانیم. بخش دوم که به خطی متفاوت از قسمت قبل کتابت شده، اگر چه دارای جدول بندی هایی شبیه به قسمت پیشین است، ولی به نظر من قدمت آن را ندارد و باید با فاصله ای هر چند کوتاه بدان افزوده شده باشد. این بخش دوم از برگ ۲۷ ب آغاز می شود و وقتی به برگ ۴۰ ب (پایان نسخه) می رسد، یادداشت های جدیدتری بدان افزوده می گردد.

چنانکه گذشت این دستنویس - که در قطع ۱۷ × ۱۲/۵ است<sup>۱</sup> - چهل برگ دارد و به خط نستعلیق قرن نهم (بخش نخست مجموعه) کتابت شده است. کاتب مجموعه، در برگ ۲۷ الف، خود را «عماد الدین المذهب» معرفی کرده است. انجامه‌ای که نام کاتب را در خود جای داده چنین است: «تم الكتاب، مجموعه غزلیات و مقطعات و رباعیات و معم[ی]ات و رسالها، فی سابع عشرین ذی الحجة الحرام سنة سبع و سبعین و ثمانمائه، تم» که در کنار این انجامه مثلثی شکل، به همان خط - یا شبیه بدان - نوشته شده: «والحمد لله حمداً كثيراً دائماً ابداً، اقل عباد الله عماد الدین المذهب اصلح الله احوالهم». البته این احتمال هم هست که کسی که بعدها از کار آراستن و تذهیب نسخه فارغ شده، یعنی تذهیب کار کتاب، این یادداشت را نوشته باشد. اگرچه آنچه از این مجموعه در اختیار داریم چندان تذهیب شده و آراسته نیست که گمان برده شود، تذهیبگری، جداگانه بر روی آن کار کرده است؛ بلکه کل آرایش‌های کتاب به جدول‌های آراسته به طلا محدود است که در سرعنوان قسمت‌های گوناگون مجموعه، کمی بیشتر کار برده است. هم‌اکنون به معرفی دو بخش مجموعه به‌طور جداگانه می‌پردازم.

### الف) قسمت قدیم‌تر (مورخ ۸۷۷ هجری)

این قسمت شامل «مزعفرنامه»، «فرسنامه» و اشعار (مقطعات، رباعیات و معنیات) است که قسمت اخیر گویا حاوی «غزلیات» نیز بوده که اکنون در دست نیست و این چیزی است که از محتوای رقم کاتب در برگ ۲۷ الف برمی‌آید. البته این امکان هست که غزلیات بخش دوم مجموعه - مثلاً غزلیات خیالی یا طوسی - را جزو این قسمت فرض کنیم و گمان بریم که این غزلیات در صحافی‌های بعدی به انتهای نسخه برده شده‌اند. اما از آنجا که طرح جدول‌بندی این دو بخش و نیز تا حدودی خطوط آنها با هم متفاوت است، عجالتاً این احتمال را باطل می‌دانم.

اما تفصیل بخش‌های قسمت قدیم‌تر:

۱ - «مزعفرنامه منشور»: از برگ ۱ ب تا ۱۶ ب، ناقص الآخر. این مزعفرنامه، همان رساله مقامه‌ای بسحاق اطعمه شیرازی است که به «بغرانامه» نیز اشتها دارد و در

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، ج ۲۱: ۲۰۵.

نسخ کلیات شاعر و مجموعه‌های ادبی از آن نسخه‌هایی در دست است که برخی از نسخه‌ها ماکهن تر است.<sup>۱</sup> از این رساله به اندازه یک صفحه، در پایان افتادگی دارد که نشان می‌دهد بین برگ ۱۶ و ۱۷ نسخه (پایان مزعفرنامه و آغاز فرس‌نامه)، یک برگ افتاده است.

۲- [فرس‌نامه منثور فارسی]: از برگ ۱۷ الف تا ۲۳ الف، ناقص الاول. متأسفانه، ابتدای این فرس‌نامه را در اختیار نداریم که درباره مؤلف یا مترجم آن اظهار نظر قطعی کنیم. به هر حال، توصیف دقیق آن به همراه احتمالاتی که راجع به اشتراک یا یکسانی‌اش با یک نمونه بسیار مشابه یافته شد، در ادامه خواهد آمد. نخست فهرست ابواب موجود:

- باب دوم: در شب کوری اسب
- باب سیوم: در شناختن گنگی اسب
- باب چهارم: [در شناختن کری اسب]
- باب پنجم: در شناختن چپ دستی
- باب ششم: در معرفت خجستگی اسب و ناخجستگی اسب
- باب هفتم: در شناختن اسب که نیکست یا بد
- باب هشتم: در شناختن عیب و هنرهای اسب
- باب نهم: در بیماریها و علتهای اسب
- باب دهم: در علاج خارش پشت اسب و دم اسبان
- باب یازدهم: در علاج خارش اسب و گر<sup>۲</sup> اسب
- باب دوازدهم: در شقاق و خرده گاه اسب
- باب سیزدهم: در دواى سرفه کهن اسب
- باب چهاردهم: در دواى حمرة اسب و کوفتگی او
- باب پانزدهم: [کذا؛ پ با یک نقطه]: در دواى سفیدی چشم اسب
- باب شانزدهم: در دواى پشت برآمدن اسب
- باب هفدهم: در دواى کوفتگی اسب و سودگی اسب

۱. کلیات بسحق اطعمه شیرازی، مولانا جمال الدین ابواسحق حلاج اطعمه شیرازی معروف به بسحق اطعمه شیرازی (قرن ۹ هـ)، تصحیح منصور رستگار فسایی، میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲: ۲۶۳-۲۲۷.  
 ۲. اصل: و کر اسب؛ که در چاپ دکتر تاج بخش (که پس از این معرفی خواهد شد) «کره» خوانده شده است (!) که گویا در نسخه ایشان چنین بوده است.

- باب [هجدهم]<sup>۱</sup>: در دواى علت سرطان اسب
- باب نوزدهم: در نکو داشتن و بوقت آب دادن
- باب بیستم: در دواى درد شکم اسب
- باب بیست و یکم: در دواى قولنج و کمیز بستن اسب
- باب بیست و دوم: در دواى حمرة کهن اسب
- باب [بیست و سوم]<sup>۲</sup>: در علاج ریش اسب
- باب بیست چهارم: در آماس اسب
- باب [بیست و پنجم]<sup>۳</sup>: در کوفتگی اسب
- باب بیست ششم: در نگه داشتن آب و علف خوردن اسب
- باب [بیست و هفتم]<sup>۴</sup>: در نگاه داشتن اسب در بهار و زمستان
- باب بیست هشتم: در چاره کردن آنک پشت اسب ریش نشود
- باب بیست نهم: در برنشستن و تازیانه زدن بر اسب
- باب سی ام: در فربه کردن اسب و غیره

این فرس نامه فارسی مختصر، که زبان آن کهنه و دارای ویژگی‌های سبکی کهن است، احتمالاً با فرس نامه‌ای که در نسخه‌های متعدد به نام ارسطو (ارسطاطالیس) مشهور شده مرتبط است و شاید هم همان باشد. اگرچه این فرس نامه تفاوت‌های بعضاً معتناهی با آنها دارد، شاید بتواند آن تفاوتها را ناشی از نسخه‌برداری‌های متعدد یا نمایانگر تحریرهای متفاوت دانست. یکی از این تحریرها که خوشبختانه به شکلی مطلوب چاپ شده، امکان مقایسه را با متن موجود فراهم می‌کند. این تحریر را که مترجمی موسوم به شمس الدین محمد بن حسن / حسین نگاشته، دکتر حسن تاج‌بخش در انتهای کتاب ارزشمند خود، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، تصحیح کرده است و از این پس، اشاره‌ها متوجه چاپ مزبور است.<sup>۵</sup>

۱. اصل: هفدهم (به اشتباه).

۲. اصل: بیست و دوم (به اشتباه).

۳. اصل: بیست چهارم (به اشتباه).

۴. اصل: بیست ششم (به اشتباه).

۵. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، دکتر حسن تاج‌بخش، دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ج اول، ایران باستان: ۴۲۸-۴۱۴.

فرس نامه مزبور از روی نسخه ۵۰۱۱ دانشگاه تهران به چاپ رسیده و حاوی ۳۳ باب و مقدمه‌ای مختصر است. ابواب ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۹ از چاپ تاج‌بخش در نسخه ما نیست و در عوض باب ۲۶ ما، در چاپی دیده نمی‌شود. همچنین باب ۱۶ نسخه مرعشی به همین شکل موجود، در چاپی نیامده اگرچه از لحاظ موضوع با ابواب ۱۹ و ۲۶ آن مرتبط است.

همچنین باب ششم چاپی که «در رنگ گردانیدن اسب» است، در نسخه مرعشی، عنوان «در معرفت خجستگی اسب و ناخجستگی اسب» را دارد. اما بقیه ابواب از لحاظ موضوعی با یکدیگر مرتبط‌اند و فقط در برخی موارد، مثلاً ابواب ۱۵، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۸ مرعشی که به ترتیب مطابق است با ابواب ۱۵، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۳۱ چاپی، تحریر نسخه مرعشی مفصل‌تر است. همچنین ابواب ۱۹ و ۲۹ مرعشی با اقران خود در چاپی (به ترتیب، ابواب ۲۲ و ۳۲ چاپی) تفاوت‌های اساسی دارند. از این موارد که بگذریم، اختلاف‌های دو رساله، محدود است به اختلاف در ضبط کلمات که در پاره‌ای موارد نسخه مرعشی ضبطی اصیل‌تر و کهن‌تر را در اختیار می‌گذارد و در برخی موارد هم بالعکس.

گفتنی است از رساله حاضر نسخه‌های متعددی در دست است که در تعیین سرنوشت این رساله و تصحیح مجدد آن، ضرورت دارد بدانها مراجعه شود که البته نسخه مرعشی از همه آنها کهن‌تر است.<sup>۱</sup>

۱. برای کسب اطلاع از این نسخه‌ها ر.ک: فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰: ۳-۳۸۸۲؛ البته در فهرستواره استاد منزوی جای برخی نسخه‌های این اثر خالی است مثلاً سه نسخه‌ای که دکتر تاج‌بخش از این اثر در دانشگاه تهران و مجلس به دست داده است. نیز نسخه‌ای که در فهرست کتابخانه گلبایگانی قم معرفی شده به شماره ۲۱۹۹ دارای تاریخ ۱۲۱۰ هجری ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی آقای گلبایگانی، رضا استادی، قم، بی تا، جلد سوم: ۱۹۲. و نسخه دیگری که در شیراز است مورخ ۱۰۵۷ هجری معرفی شده در نسخه پژوهی، دفتر سوم: ۱۴۱؛ و نسخه جدید دیگری که در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی هست به شماره ۱۲۵۳۷/۲۰ معرفی شده در فهرست جلد ۳۱، ص ۶۰۱ نسخه بسیار جدیدی از آن نیز در مجموعه شخصی نگارنده است. گفتنی است نخستین کسی که از این رساله خطی به گونه‌ای آمیخته با اشتباه سخن گفت «سیریل الگود» بود در منبع زیر که خطاهای آن را دکتر تاج‌بخش متذکر شده‌اند: تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، سیریل الگود، ترجمه دکتر باهر فرقانی، ویراسته محمد حسین روحانی، امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱: ۳۶۰-۳۵۹. نیز ر.ک: اسب نامه‌های فارسی، نادر کریمیان سردشتی، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشکده مردم‌شناسی)، تهران، ۱۳۷۹: ۴۷-۴۴، ۷۴ و ۷۷.

۳. مقطعات [لابن یمین]<sup>۱</sup>: از برگ ۲۳ ب تا ۲۵ الف، با انجامه (ترقیمه) «تمّ المقطعات» در پایان. در این قسمت هشت قطعه که همگی از ابن یمین است به شرح زیر آمده است:

- دو دوست با هم اگر یکدلند در همه حال

هزار طعنه دشمن به نیم جو نخرند (۵ بیت)

[دیوان ابن یمین<sup>۲</sup>: ۳۸۲، قطعه ۲۸۰]

- وله: هر که دارد کفاف عیش جهان که نباشد درو بکس محتاج... (۵ بیت)

[همان: ۳۶۰، قطعه ۱۹۵]

- ایضاً له: کنجی که درو گنجش اغیار نباشد

بر کس ز تو بر تو ز کسی بار نباشد... (۷ بیت)

[همان: ۳۹۶، قطعه ۳۳۸]

- وله: هر که رنجی کشید و گنج نهاد بضرورت بدیگری بگذاشت (۳ بیت)

[همان: ۳۵۶، قطعه ۱۸۰]

- وله: بگوش هوش بشنو نکته خوش اگر داری خرد دستور خود ساز (۳ بیت)

[همان: ۴۳۱، قطعه ۴۶۶]

- وله: هر آن کس که او را خرد رهبرست [کذا]

ره و رسم و آیین صحبت نورزد (۳ بیت)

[همان: ۴۰۴، قطعه ۳۷۷]

- وله: ای دل ار چند در سفر خطرست کس سفر بی خطر کجا یابد (۷ بیت)

[همان: ۳۶۳، قطعه ۲۰۶]

- وله: صحبت صاحب نظر باید که باشد با دوتن

یا کریمی نامجوی و یا حکیمی راستگوی (۶ بیت)

[همان: ۵۳۷-۸، قطعه ۸۵۵]

۴- رباعیات: از برگ ۲۵ ب تا ۲۶ ب، با انجامه «تمّ الرباعیات» در پایان. در این

۱. به خطی جدیدتر.

۲. دیوان اشعار ابن یمین فرومدی، بتصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد، کتابخانه سنائی، تهران، ۱۳۴۴.

بخش، ده رباعی از خیّام، که از نظر قدمت تا حدودی ارزشمند است، به این ترتیب آمده است:

- یک یک هنرم بین و گنه دوده بخش  
از باد هوا آتش کین برمفروز  
[طربخانه<sup>۲</sup>: ۱۴۰]

-وله:

خیام زمانه از کسی دارد ننگ  
می خور تو ز آبگینه با ناله چنگ  
[همان: ۶۱]

-ایضاله:

ای آنکه خلاصه چهار ارکانی  
دیوی و ددی و ملکی انسانی  
[نادرة ایّام<sup>۳</sup>: ۳۹۳]

-وله:

تا در طلب گوهر کانی کانی  
تا زنده ببوی وصل جانی جانی  
هر چیز که در جستن آنی آنی  
[در مجموعه های معروف و نسبتاً معتبر به نام خیّام یافت نشد]

-ایضاله:

دانی که چه مدّتست ای دلبر ما  
خود کس نفرستی و نپرسی هرگز  
تا بیجھتی برفته از بر ما  
تا بی تو چها می گذرد بر سر ما  
[مثل مورد قبل]

۱. کذا؛ درست: حسبه لله.

۲. رباعیات خیّام (طربخانه)، یاراحمد بن حسین رشیدی تبریزی، به تصحیح استاد علامه جلال الدین همایی، نشر هما، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۳. نادره ایّام حکیم عمر خیّام و رباعیات او، یکانی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۲.

-وله ایضاً:

هر چند ز دست دهر غم کش باشی

وز جور جفای [کذا] چرخ ناخوش باشی

زنهار ز دست ناکسان آب زلال

بر لب مچکان اگر در آتش باشی

[نادره ایام: ۴۰۳]

-ایضاً له:

وین عمر بخوش دلی گذارم یا نه

کین دم که فرو برم برارم یا نه

تاکی غم آن خوری که دارم یا نه

پر کن قدح باده که معلوم نیست

[رباعیات خیام در منابع کهن: ۲۷۷]

-وله:

وین یکدمه<sup>۲</sup> نقد را غنیمت شمیرم

با هفت هزار سالگان هم سفریم

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم

فردا که ازین روی زمین درگذریم

[طربخانه: ۳۸]

-وله ایضاً:

واندر ره بیداد تو با داد بزی

انگار که نیستی... آزاد بزی

چندین غم بیهوده مخور شاد بزی

چون آخر کار این جهان نیستیست

[رباعیات خیام در منابع کهن: ۲۷۸]

-ایضاً له:

فردا که نیامدست فریاد مکن

حالی خوش باش عمر بر باد مکن

روزی که گذشته است ازو یاد مکن

برنامه و گذشته بنیاد مکن

[همان: ۲۷۴]

۵- معنیات: برگ ۲۷ الف، که آخرین بخش این قسمت کهنه نسخه است. در این

تک صفحه پنج معما که در مورد اسامی افراد است آمده که تنها به نقل آن می پردازم:

۱. رباعیات خیام در منابع کهن، سید علی میرافضلی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲. اصل: یکدمه.



- عبد القادر:

در عشق تو آه سردم از حد بگذشت  
ای آمده بی تو چشم بیدار بدرد  
خونابه بروی زردم از حد بگذشت  
بنمای لقا که دردم از حد بگذشت  
- شمس:

سوختم ز آتش هجران و ز شوق  
بر سر سوختگی می جوشم  
- کمال:

دانی..... مرا بر دل بیمار  
یابد بوصول قد و زلف تو مداوا  
- امیر علی:

هر که را بینم بمهر ماه رویت مایلمت  
- فتح الله:

در صورت قبله جمالش  
خالیست که سجده می برندش

(ب) قسمت جدیدتر

۱- [غزلیات] افصح المتکلمین مولانا خیالی: از برگ ۲۷ ب تا ۳۰ الف. در این قسمت یازده غزل از خیالی بخارایی، شاعر قرن نهم هجری، به همراه یک رباعی از او آمده که مطلع آن اشعار نقل می شود:

- گیسو برید و شد فزون مهرش من گمراه را

گم کرده ره داند بلی قدر شب کوتاه را

[دیوان خیالی بخارایی<sup>۱</sup>: ۲۸]

- ایضاً له:

گاهی که عشق بخود راه می نمود مرا  
ز بود خود سر موئی خبر نبود مرا

[همان: ۶-۲۵]

- وله ایضاً:

افسوس که صورت، تتق چهره معنیست

ورنی همه آفاق پر از نور تجلیست

[همان: ۲-۶۱]

۱. دیوان خیالی بخارایی، به تصحیح عزیز دولت آبادی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، آبان ماه ۱۳۵۲.

- ایضاً وله:

گرچه تو حقیری و گناه تو عظیمست

نومید نباشی که خداوند کریمست

[همان: ۴۶]

- وله ایضاً:

آیت حسن را که نام وفاست تو ندانسته [ای]، خدا داناست<sup>۱</sup>

[همان: ۷-۳۶]

- وله ایضاً:

چه کرد سرو بقدت که برکشیدندش چه گفت شمع برویت که سر بریدندش

[همان: ۸-۱۹۷]

- وله ایضاً:

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه خلقی بتو مشغول و تو غایب ز میانه

[همان: ۱-۲۴۰]

- ایضاً له:

نامه طاعت و عصیان چه سفید و چه سیاه

سرنوشت ازل این بود کسی را چه گناه

[همان: ۹-۲۳۸]

- وله ایضاً:

از آن ز دیده و دل اشک و آه می خواهم

که شرمسارم و عذر گناه می خواهم

[همان: ۲۱۵]

- ایضاً وله:

مرا ای دل اگر دیوانه گفتی نمی رنجم ز تو یارانہ گفتی

[همان: ۲۴۵]

۱. در سطر آخر برگ ۲۸ ب آمده: «ایضاً له» که به این معنی است که باید در صفحه بعدی، یعنی ۲۹ الف مطلع غزلی بیاید؛ ولی در ابتدای برگ ۲۹ الف، دوباره عنوان «وله ایضاً» دیده می شود. همچنین حرف قافیه ناگهان از «ت» به «ش» پریده است. از این رو این احتمال قوت می یابد که بین اوراق ۲۸ و ۲۹ افتادگی باشد.

-وله ايضاً:

ازين شكسته دو روزي اگر جدا باشي      خطا نباشد اگر بر خط وفا باشي  
[همان: ۷-۲۵۶]

-في الرباعي:

گر بشنوي اي يار بگويم خبري      عالم هم آدمست بگشا نظري  
امروز يقين مسافر بحر و برست      در ملك وجود هر كه دارد سفرى

تم

۲- في المرثية حسين بن على، من كلام مولانا فيضي: از برگ ۳۰ ب تا ۳۲ ب كه  
ترجيع بندى است در پنج بند از شاعرى كه عجالتاً نمى دانيم کدام فيضى است، ولى  
گويا از قرن دهم هجرى - كه تاريخ كتابت اين قسمت از نسخه است - باشد. بيت  
ترجيع آن چنين است:

روى منست و خاك شهيدان كربلا      دست منست و دامن اولاد مصطفى  
و سرآغاز بند نخست آن نيز از اين قرار است:  
اي دل بفيض فضل الهى زبان گشا      وز جان لال درج معانى بيان نما

۳- في القصيدة: از برگ ۳۳ الف تا ۳۴ الف. قصيده اى است بارديف «چو شمع»<sup>۱</sup> از  
همان فيضى، با مطلع:

مشعل حسن تو تا زد شعله در جانم چو شمع  
چون چراغم گاه سوزان، گه گدازانم چو شمع  
و با خاتمه:

همچو قنديلم دل سوزان در آب و آتش است  
تا چو فيضى ناظر و منظور جانانم چو شمع

۱. گروه زيادى از سرايندگان در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» و ردیف «چو شمع» با قافیه «انم»  
طبع آزمایی کرده اند؛ مثلاً ر.ک: بوستان خيال، بكتاش قلى ابدال رومى (= قرن دهم هجرى)، محمد على  
كوشا، نھاوندى، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶: ۱۹۴؛ جنگ شعري [ردايف الاشعار] شماره ۱۰۹۹۲ كتابخانه آيت الله  
مرعشى، كتابت قرن سيزدهم، ولى تدوين از حدود قرن دهم - يازدهم هجرى: برگ های ۵۰ ب و ۵۱ الف.

۴- غزلیات مولانا طوسی: از برگ ۳۴ ب تا ۳۷ الف. دوازده غزل از این شاعر سده نهم هجری<sup>۱</sup> آورده است که مطلع آنها بدین شرح است:  
- بنده ام پیش آن قد و بالا

راست می گویم این سخن بخدا

۱. درباره او ر. ک: فرهنگ سخنوران، دکتر ع. ختّام پور (تاهباززاده)، طلایه، تهران، چاپ اول، زمستان ۷۲، ج ۲: ۵۹۲؛ تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، دانشگاه تهران، ج ۴: ۴۵۸-۹؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، فروغی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۰۴-۵؛ «اشعار فارسی خواجه»، سعید نفیسی، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ۳، ش ۴: ۷۳-۵؛ همان، یادنامه خواجه نصیر الدین طوسی، دانشگاه تهران، ج ۱: ۳۴-۵.

چنانکه مرحوم استاد نفیسی اشاره کرده، غزلیات موجود در دیوانی که با عنوان «دیوان قدوة الحکماء و زبدة الفضلاء المتقدمین و المتأخرین خواجه نصیر الدین طوسی» در بمبئی و سپس در تهران چاپ شده، از همین عبد الله طوسی قرن نهمی است. از مجموعه اشعار او عجلتاً دو نسخه می شناسیم که یکی در دانشگاه تهران به شماره ۳۹۴۹/۳ (ص ۲۱۸-۲۴۲ هامش) و دیگری در دار الکتب قاهره، ۲۹ مجامیع ترکی طلعت (برگ ۳۸-۱۱۱) موجود است. ر. ک: فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، مهر ۱۳۵۰، ج ۳: ۲۴۱۸.

در اینجا تمام اطلاعاتی را که در مدتی کوتاه درباره اشعار طوسی در جنگ ها و تذکره های چاپ نشده به دست آورده ام، عرضه می کنم، به این امید که کسی به گردآوری آنها پردازد.  
تقی الدین کاشانی در خلاصه الاشعار (نسخه دانشکده ادبیات تهران، شماره ۱۰۴-ب، اوراق ۱۴۹ به بعد) اشعار قابل توجهی از او را گرد آورده است. همچنین او حدی بلیانی در عرفات العاشقین (نسخه کتابخانه ملک، صفحه ۶۴۷) مدخلی را به او اختصاص داده است.

از میان جنگ های شعری این موارد قابل توجه است: جنگ ۵۳۰-سنا (مجلس شماره ۲) با عنوان های «زادت درایت» و «سلمه الله تعالی» که نشانگر کتابت این مجموعه در عصر حیات شاعر است (فهرست سنا، ج ۱: ۳۳۵). بخشی از مجموعه موزخ ۸۶۲ ه. ق که دکتر یحیی قریب، دیوان حافظ را از روی آن تصحیح کرده است شامل دیوان طوسی است (دیوان مولانا شمس الدین محمد حافظ شیرازی، باهتمام دکتر یحیی قریب، صفی علی شاه، چاپ دوم، ۱۳۵۶: ۲). جنگ «مجموعه اللطائف و صندوقه المعارف» محفوظ در کتابخانه مرحوم مجتبی مینوی به شماره ۶۶ که در عصر حیات جامی کتابت شده است (فهرستواره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه: ۱۳۷۴). در مجموعه ای نزد استاد دکتر ریاحی (گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، دکتر محمدامین ریاحی: ۳۸۶). جنگ دکتر سیاسی که گویا در قرن نهم هجری تدوین شده و میکروفیلم آن در دانشگاه تهران به شماره ۴۰۶۲ موجود است (فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۳: ۱۰) مجموعه شماره ۲۲۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در حدود سده دهم هجری کتابت شده، غزلی از طوسی دارد (فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۲: ۲۵۰) جنگ اهدایی رهی معیری به کتابخانه مجلس شماره ۱۹- رهی که در سده دهم هجری کتابت شده، هفت غزل او را دارد (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، کتب اهدائی رهی معیری، ج ۱۸: ۲۲) جنگ مجمع الشعراء با یزید دوری هروی، محفوظ در دانشگاه تهران شماره ۲۴۴۸، برگهای ۵ و ۹۲. جنگ ۸۴۵۵ دانشگاه تهران (فهرست دانشگاه، ج ۱۷: ۱۳۸) نمونه مطلع برخی غزلیات او در جنگ های ردایف الاشعار، از قبیل بوستان خیال- که ذکر آن گذشت- نیز دیده می شود.

- هر کجا یار می برد سر ما  
تو هم ای دل سری بدار آنجا  
- منم و یارب و فغان هر شب  
عالم [ظ: حالم] اینست چون کنم یارب  
- غمت گفتم مرا در سینه کم نیست  
بخنده گفت دل خوش دار، غم نیست  
- دل که حیران آن خم ابروست  
گر کند سجده حق بجانب اوست  
- دل را همه ناوک تو باید  
اما چکنم چنانک آید  
- نیست در زاهدی و زرق خواص  
بگذر از این و آن و خیر و خلاص  
- دارم از شمع رخت در سینه داغ  
راست می گویم بحق این چراغ  
- ساقیا لطف کن شراب لطیف  
که دگر زهد را نه ایم حریف  
- ای خم ابرویت بخوبی طاق  
هست پیوسته قبله عشاق  
- مرا آن مه چو منزل کرد در دل  
بجان گفتم مبارک باد منزل  
- شوم حیران چو در روی تو بینم  
چه حیرانیست من حیران اینم  
۵- [قصیده ابن حسام و یک غزل از «زیرک»]: از برگ ۳۹ تا ۴۰ ب. قصیده ای است  
به مطلع:  
ای جسم تو پیرایه انواع کمالات  
وی اسم تو سرمایه اوضاع رسالات<sup>۱</sup>

۱. دیوان محمد بن حسام خوسفی، به اهتمام احمد احمدی بیرجندی - محمدتقی سالک، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مشهد، ۱۳۶۶: ۸-۳۷.

و غزلی به مطلع زیر، از شاعری با تخلص «زیرک» که به تمامی نقل می‌شود:  
هر دم بغمزه [ای] کشد آن چشم بی‌امان  
از چشم بی‌امان تو ای بیوفا امان  
یکبار مرهمی بدل ریش من نزد  
از غمزه تو کارد رسیدم باستخوان  
من چون نمیرم از غم آن سرو نازنین  
جان منست و بادگران...  
از هجر چشم مست و مه روی یار خویش  
در جان و تن نماند مرا تاب و هم توان  
زیرک بدور لعل تو گو کامران مباش  
این کامرانی بس که زکوی خودش مران [کذا]  
علت نقل این غزل سست به تمامی، آگاهی از وجود شخصی است که در گوشه‌ای  
از ایران بزرگ مرتکب شعر شده است.  
لازم به ذکر است که در اوراق ۳۷ ب تا ۳۹ الف مقداری شعر که اکثر آن‌ها ترکی  
است، به خطی بسیار جدید نوشته شده که لطفی در نقل آنها برای من وجود نداشت.  
در صورت تمایل، مراجعه کنید.